

رشته های مهندسی در ایران امروز چقدر دوست داری مهندس بشی؟



عکس: فرزین است

مهندسیهای امروزی کار می کنند، فرهاد مهندس عمران است و جای پسر مهندسی ساعی می گویند؛ بعد از اون همه درس خونند و این کلاس و اون کلاس رفتن، تازه می ریم توی دانشگاه بازم باید همون طوری درس بخونیم، قدیمی ها خیلی کمتر از ما مشکل داشتند. استادشون برای ماهاشون همراه بودن و توی دانشگاه هم برای خودشون احترام داشتن نه مثل امروز که نه اساتدا همکاری و همفکری می کنند و نه دانشگاه برایشان دانشجوی جماعت مهمه، تازه خیلی خوب هم می دونی وقتی بیای بیرون هیچ کار و شغلی در انتظارت نیست.»

آن سوی آب
روز مهندسی پنهان خوبی بود تا به مسائل و مشکلات مهندسی کشورمان بپردازیم ولی جالب اینجاست که در این رشته های مهندسی به این شکل که در ایران مشاهده می شود کمتر دیده شده، مثلاً در آلمان بیشتر مردم راضی اند به این رشته ها در حد فوق دیپلم ما و یا به شکل علمی، کاربردی بردارند، بیشتر به هنرستانهایی که برای این رشته ها ترتیب داده شده رفته و بعد از آن به کار در این رشته ها می پردازند، کمترین می آید که کسی این رشته ها را در دانشگاه دنبال کند. هر کسی که وارد دانشگاه می شود می داند که در چه راه سختی پا گذاشته. در آمریکا و انگلیس، قوانین درسی دانشگاه به دانشگاه فرق کرده هر دانشگاهی خود برای پذیرش دانشجو نوع تحصیل اوتعمیم می گیرد.

در سالهای ۵-۱۳۰۴ دولت وقت جمعی از تحصیل کرده های دارالفنون را به خارج کشور فرستاد تا در سالهای ۱۳۰۹ و ۱۳۱۰ اولین مهندسان ایرانی وارد ایران شوند

که اصلاً نمی دونم چی هستند، مهندسانی رو می بینم که در نمازه کار می کنند و یا حتی مسافر کنشی متقاضیان تحصیل در رشته های مهندسی و همچنین پیشرفت علمی و تکنولوژیکی دنیا رشته های مختلفی در این زمینه شکل گرفته، مهندس فناوری اطلاعات، مهندس پرتویزشکی، مهندسی پزشکی بیوالکترونیک، مهندسی متالورژی، مهندسی دریا و ناورسی، مهندسی هوا فضا و... از این جمله اند. مهندسی ساعی که یکی از مهندسیهای قدیمی است می گویند، این روزها تعداد زیاد شده، اسم رشته هایی رو می شنوم

مهندسی با یک میلیون زیر شاخه
با وجود آمدن دانشگاه های مختلف فنی و مهندسی و بالا رفتن متقاضیان تحصیل در رشته های مهندسی و همچنین پیشرفت علمی و تکنولوژیکی دنیا رشته های مختلفی در این زمینه شکل گرفته، مهندس فناوری اطلاعات، مهندسی پرتویزشکی، مهندسی پزشکی بیوالکترونیک، مهندسی متالورژی، مهندسی دریا و ناورسی، مهندسی هوا فضا و... از این جمله اند. مهندسی ساعی که یکی از مهندسیهای قدیمی است می گویند، این روزها تعداد زیاد شده، اسم رشته هایی رو می شنوم

درد دل های یک مهندس سابق

زمین شناسی مهم نبود. اما می ترسیدم بگویم من از این رشته و این عنوان قلابی حال به هم می خورد. می ترسیدم یک روز فریاد بزنم و بگویم من نمی خواهم زندگی ام را فدای یک عنوان کنم که حالا هر ده دانشجو هشت تا بیست تا این را دارند. چون دل مادر پدرم خوش بود، خوش بود که پسرشان مهندس است فقط همین! اما برخورد با یک دوست که در رشته کار بیابیم و بگویم من این مهندسی را نمی خواهم و بعد با هزار زحمت خودم را آتداختم توی کارهای تجاری. اولش سخت بود اما من تشنه این کار بودم. نه به خاطر پولش، اصلاً... بلکه به خاطر لذتی که از مدیریت و برنامه ریزی در این کار می بردم.

رأست وقتی گفتند مطلبی درباره مهندسی و روز مهندسی بنویسم، رویم نشد پنهان بگویم که نمی دانسته ام اصلاً چنین روزی وجود دارد و برای اینکه مطمئن شوم، بسری به تقویم زدم و دیدم حق با شماست. پنج اسفند روز مهندسی است. برای من که از مهندسی فقط یک عنوان برای مانده که آن هم تنها گاهی به ذهن می آید و این فقط وضعیت من نیست، وضعیت خیلی های دیگر است که متعلق به نسلی بوده اند که هیچگاه علائق خود را نتوانسته اند کشف کنند. راستش خیلی از ما متعلق به نسل سوخته هستیم. اما ما در عرصه تحصیل، شرایط اجتماعی یا به عبارتی مادی و پدران مان هستیم. نمی دانم این فرهنگ از کجا ریشه گرفته که مادر و پدرهای ایرانی، همیشه خواسته اند بچه هایشان دکتر یا مهندس باشند. یک پزی ارزش اجتماعی که فقط در چارچوب عنوان یا محصور می ماند و همانقدر که برای بعضی های ایرانی، همیشه خواسته اند بچه هایشان او را به نظر می رسد. هیچ وقت یاد نمی رود که هر وقت کسی از مادر و پدر من می پرسد پسران چه رشته ای می خواند، هیچگاه نمی گفتند زمین شناسی، همیشه می گفتند: مهندسی زمین شناسی و این کلمه مهندسی را با جان آهنکی می گفتند که طرف فکر می کرد با کاشف مهم ترین معادن دنیا طرف است. در همه آن سال ها که زمین شناسی می خواندم و ملم خوش بود به این عنوان مهندسی، هیچگاه لذت واقعی نشناسی را نچشیدم. آنقدر که مسائل رشته های اقتصاد برای اهمیت داشت مسائل

مهندسی های پر طرفدار

مهندسی زراعت و اصلاح نباتات با گرایش دوم خرداد
مهندسی کامپیوتر با گرایش گردگیری سیستم های عامل
مهندسی ترافیک با گرایش شمارش ماشین های زوج و فرد
مهندسی مواد با گرایش های تلخی، گرتی، علف و...
مهندسی کامپیوتر با گرایش مهندسی کشاورزی و ایمنی
مهندسی آمار با گرایش خالی بندی در تریبون های رسمی
مهندسی شیمی با گرایش SO2
مهندسی شیمی با گرایش پودر
مهندسی بیوم و پوست یا گرایش کرپستین دور
مهندسی پرورش و شتر مرغ (باو گنبد این یکی دیگر حقیقت داره)
مهندسی صنایع از با گرایش سنگی (دانشگاه شهید بهروردی (دانشگاه تبریز)
مهندسی پزشکی با گرایش خاص برای کسانی که مادرشان آرزوی دکتر مهندسی شدن شان را دارند.
مهندسی آب با گرایش فاضلاب
مهندسی هوا و فضا (برای آنهايي که حسابی هوایی شده اند)
مهندسی قدرت با گرایش سرو و سینه و پشت بازو

جزو معدود افرادی بود که تا آخرین لحظه های زندگی خود درس داد و وارد هیچ جریانی به جز جریانات علمی نشد. شعار مهندسی حامی این بود: «قلب هر ایرانی که به خاطر ایران تپید، همان به که اصلاً تپید.»
به کمک همین افراد در سال ۱۳۱۴ اولین دانشکده مهندسی که در آن زمان به دانشکده فنی معروف بود ساخته شد و از آن زمان به بعد ایران توانست به یکی از قطبهای آن روز آموزش مهندسی دنیا تبدیل شود و هر ساله شاهد پیشرفتهای مهندسی زیادی در دانشکده های مختلف مهندسی باشیم.

وقتی این همه مهندس بیکار داریم چطور می شه هنوز مهندس بودن به حساب بیاد

روزی پنج اسفند، روز مهندسی بود. هیچ وقت فکر کرده اید چرا اینقدر تعداد مهندسین و فارغ التحصیلان رشته های مختلف مهندسی زیاد است؟ در گزارش امروز «ایران جوان» به بررسی این مساله پرداخته ایم.
مهندس بشی؟ نه حالا خداوکیلی من که به کسی نمی گم، چقدر برای مهندس شدن و «مهندس مهندس» شدن نقشه کشیدی؟ چقدر از این روز و اونور شنیدی که آگه می خوی مهندسی شوی بشی باید خیلی درس بخونی و عوضش عاقبت داره و فراد می شی خانم یا آقای مهندس و... آره، منم مثل تو همه این حرفها رو شنیدم و مسخ شدم. مهم گفتن آگه مهندس شی به جامعه بهت احترام می داره و توپ پول درمی آری و... آره منم مثل تو خودمو کشتم و شبانه روز درس خوندم، تست زدم، کلاس رفتم تا به تمام چیزهایی که توی آرزو هام می دیدم دست پیدا کنم. یادش بخیر اون استاد کنشوری که جلسه ای ۲۰ هزار تومان می گرفت تا فیزیک درس بدهد و در طول درس دانشش هر بار که می خواست صدام کنه می گفت: «خانم مهندس، جواب چند درمی آید؟» الان که فکر می کنم می بینم فقط اون روز بود که از شنیدن این کلمه اونقدر خوشحال می شدم و واقعاً فکر می کردم خانم مهندس بودن کلی احترام به همراه داره. یادش بخیر اون معلمی که توی مدرسه بهمون به شوخی می گفت: نه بابا شماها مهندسی نمی شن، مگه اینکه زن مهندس بشین و اون جوژی بهتون بگن خانم مهندس، که به حال حالا که مهندس شدم و ۴ سال در مهندسی خوندم، می فهمم که دیدن مهندس بودن توی این مملکت مالک نیست. وقتی این همه مهندس بیکار داریم چطور می شه هنوز مهندس بودن به امتیاز به حساب بیاد. اینویکی از خانمهای مهندسی که تازه فارغ التحصیل شده می که:
اصلاً این مهندسی یعنی چه؟
تا حالا از خودت پرسیدی آقای مهندس! که مهندس یعنی چی؟ کلمه مهندسی یک کلمه فارسی است و در ایران باستان هم به کار می رفتنه، یعنی کسی که از هندسه سر درمی آورد یا اگر بهتر بگویم یعنی کسی که هندسه می داند. مثلاً در کتاب خسرو و شیرین نظامی از فرهاد به عنوان یک مهندس یاد شده که به همین دلیل هم تراشیدن سنگهای کوه را بر عهده وی گذاشته بودند. یا در شاهنامه فردوسی

